

صفة العلم والبداء: صفت علم و بداء

بعد أن أثبتنا لاهوته المطلق، نقول: إنه لا بد أن يتصف اللاهوت المطلق بالعلم المطلق، وإلا فلو جهل شيئاً لكان نوراً وظلمة - لأن سبب الجهل هو الظلمة أو النقص-، ولو كان كذلك انتفت ألوهيته المطلقة، كما أنه لو جهل لاحتاج إلى غيره وبطل لاهوته المطلق بحاجته وفقره.

پس از اینکه لاهوت مطلق خداوند را ثابت کردیم، می‌گوییم: لاهوت مطلق باید به علم مطلق موصوف شود وگرنه اگر نسبت به مسئله‌ای نادانی داشته باشد، ترکیب نور و ظلمت می‌شود - به این خاطر که علت نادانی، ظلمت و تاریکی یا کمبود است - اگر این چنین باشد، الوهیت مطلق او نفی می‌شود؛ همان طور که اگر نادانی داشته باشد، به غیر خودش نیازمند می‌شود و لاهوت مطلق او، با نیاز و نیازمندی اش باطل می‌شود.

ومن علمه ما أظهره في عوالم الخلق ليطلع عليه من خلقه من شاء أن يطلع عليه، وهذا هو لوح المحو والإثبات، وفيه لكل حادث احتمالات يعتمد حدوث كل واحد منها على العبد وما يحيط به، فعندما يحين حينها يحدث أحدها، ولولا المحو والإثبات لبطل الدعاء ولم يكن له معنى إلا العبث، فمن يقول بعدم وجود المحو والإثبات يقول إن الأمر فرغ منه أو كما وصفهم تعالى: (وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ) [المائدة: 64].

آن چه را که او در عوالم آفرینش آشکار کرده است، جزو علم اوست، تا هر مخلوقی را که بخواهد، نسبت به آن آگاه کند. این لوح محو و اثبات است و در آن برای هر حادث و اتفاقی، احتمالاتی است که اتفاق افتادن هر کدام از آن‌ها، به

بنده و آنچه به او احاطه دارد، وابسته است. زمانی که وقتش فرا برسد، یکی از آنها اتفاق می‌افتد. اگر محو و اثبات نبود، دعا از بین می‌رفت و معنایی به‌جز بازیچه بودن نداشت. فردی که وجود محو و اثبات را قبول ندارد، قائل به این است که کارها از دست خداوند خارج شده است یا همان‌طور است که خداوند متعال آنان را توصیف کرده است: «و یهود گفتند دست خدا بسته است. دست‌های خودشان بسته باد و به [سزای] آنچه گفتند از رحمت خدا دور شوند. بلکه هر دو دست او گشاده است، هرگونه بخواهد می‌بخشد و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به‌سوی تو فرود آمده است، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم. هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند خدا آن را خاموش ساخت و در زمین برای فساد می‌کوشند و خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد» ([575]).

[575]. قرآن کریم، سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۴.